


بررسی اثربخشی بسته آموزشی مبتنی بر طرح فهم قرآن بر هوش هیجانی دانش آموزان

راضیه کیانی بروجنی / کارشناس ارشد گروه روان شناسی و علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
rkiani2096@gmail.com

فاطمه فیاض / استادیار گروه روان شناسی و علوم تربیتی، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

f.fayyaz@alzahra.ac.ir

 orcid.org/0000-0003-0490-179X

دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۴ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

چکیده

هدف از اجرای این پژوهش، طراحی و تدوین بسته آموزشی چند سوره از قرآن مبتنی بر طرح فهم قرآن و تعیین اثربخشی آن بر هوش هیجانی دانش آموزان پایه اول ابتدایی بوده است. روش پژوهش، نیمه آزمایشی با پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری همراه با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش دربردارنده کلیه دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهر بروجن در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بوده است و نمونه‌ای به حجم ۴۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) جایگزین شدند. پس از اجرای پیش آزمون‌ها، گروه آزمایش به مدت نه جلسه مورد آموزش قرار گرفت. ابزار استفاده شده در این پژوهش، مقیاس هوش هیجانی بار - اون بود. داده‌های حاصل از این پژوهش با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر توسط نسخه ۲۶ نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که بسته آموزشی توانسته است در افزایش هوش هیجانی دانش آموزان به طور معناداری مؤثر واقع شود.

کلیدواژه‌ها: بسته آموزشی، دانش آموزان، طرح فهم قرآن، هوش هیجانی.

خداوند انسان را با فطرتی پاک خلق کرد؛ اما آدمی با قرار گرفتن در محیط و تربیت ناسالم و نیز پیروی از هواهای نفسانی خویش، زمینه دور شدن از این فطرت پاک را برای خود رقم می‌زند. بنابراین فراهم کردن محیط و تربیتی که انسان را به سمت رشد و تعالی سوق دهد، بسیار حائز اهمیت است (نوذری و شمشیری، ۱۳۹۷، ص ۱۵). دین مبین اسلام برنامه‌هایی دقیق و جامع برای تعلیم و رشد انسان‌ها در نظر دارد، که با پیروی از آنها می‌توان در تمام دوره‌های زندگی چراغ راهی برای تربیت انسان روشن کرد و رسیدن به این هدف، از راه تربیت امکان‌پذیر است (انصاری رکن‌آبادی، ۱۳۹۵). برای جاری شدن امر تعلیم و تربیت، وجود سه رکن دانش‌آموز، مربی و محتوا ضروری است که هریک ویژگی‌ها و خصوصیات خاص خود را دارد (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۱۷).

به‌استناد روایتی از رسول اکرم ﷺ، مراحل تربیت‌پذیری کودک به سه دوره هفت‌ساله تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: هفت سال اول فرمانروایی، هفت سال دوم مطیع و پیرو، و هفت سال سوم وزیر (حائری شیرازی، ۱۳۹۶، ص ۱۳). اگر در هریک از دوره‌های زندگی نیازهای کودک که مبتنی بر ویژگی‌های آن دوره است، رفع نشود، رشد و تربیت فرد در دوره‌های بعدی به مشکل برمی‌خورد (مظفرپور سیاهکوهی، ۱۳۹۷). در اولین دوره رشد، لازم است کودک به دریافت طبیات مادی و معنوی انس گرفته باشد و رزق حلال را در قالب عواطف پدر و مادر و کلام و سخنان نیکو از جانب آنها دریافت کرده باشد. بنابراین کودک در انتهای دوره اول وضعیتی شاد و بانشاط دارد و در اثر چنین نیرویی می‌تواند بقیه مسیر خود را در دوره بعدی طی کند (اخوت و رضازاده، ۱۳۹۸). دوره دوم رشد، هم‌زمان با مقطع دبستان است. کودک در این دوره طفولیت خود را سپری می‌کند و در فرایند آغازین بلوغ عقلی قرار می‌گیرد و از وابستگی به استقلال راه می‌یابد (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۱۸).

از دیدگاه پیاژه، کودک در دوره دوم رشدی در مرحله عملیات عینی قرار دارد. در این مرحله، کودک اعمال سازمان‌یافته‌تر و کارآمدتری را برای برخورد با محیط اطرافش در خود رشد می‌دهد؛ همچنین توانایی انجام اعمال منطقی به‌صورت عینی را کسب می‌کند؛ نظیر طبقه‌بندی و ردیف کردن امور مختلف، خواندن، حساب کردن و نوشتن. ظرفیت‌های شناختی در این مرحله از رشد به کودک اجازه می‌دهد که ارتباط خود با دیگران را بهتر کند و اجتماعی‌تر شود. اریکسون نیز بیان می‌کند که کودک در این دوره وارد مرحله نهفتگی می‌شود و این مرحله را دوره ثبات و آرامش نیز می‌خواند؛ چراکه سائق‌های جنسی و پرخاشگراانه دوره‌های قبلی به‌طور موقت به خواب می‌روند. در این مرحله، کودکان بر مهارت‌های اجتماعی و شناختی مهمی چیرگی می‌یابند و مشتاقانه می‌کوشند که مهارت‌ها و ابزارهای فرهنگی مفید و وسیع‌تری را نیز بیاموزند. وی همچنین عنوان می‌کند که در این دوره، کودکان به مدرسه می‌روند و کار کردن و بازی کردن با همسالان را یاد می‌گیرند (خوی‌نژاد و رجایی، ۱۴۰۰، ص ۲۰۴).

از این رو با توجه به ویژگی‌های مطرح‌شده در این دوره، رشد کودک به یک‌باره و ناگهانی رخ نمی‌دهد؛ بلکه امری تدریجی است و هر سال ویژگی مشخصی به فرد افزوده می‌شود (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۶۳). بنابراین رشد و تربیت کودکان و نوجوانان نیازمند برنامه‌های ویژه‌ای است که دین مبین اسلام برنامه‌ریزی و به‌کار بردن روش‌های خاص تربیتی را لازم و ضروری می‌داند و معتقد است که نحوه رفتار با کودکان باید با برخورد نسبت به بزرگسالان متفاوت

باشد. از طرفی دیگر، سفارش می‌کند که در تربیت کودکان باید شرایط و اقتضای محیط در نظر گرفته شود تا کودکان بتوانند با مردم جامعه و زمانه خود به‌نحو مطلوبی زندگی کنند (بیدی و رنجبرزاده، ۱۳۹۳، ص ۹). در این راستا، مجموعه‌ای مستند، هماهنگ و یکپارچه با هدف تبیین فرایند رشدی انسان در دوره‌های متفاوت سنی توسط اخوت و همکاران (۱۳۸۷-۱۳۹۸) تحت عنوان «منظومه رشد قرآنی» تدوین و منتشر شده است. ساختار اصلی این منظومه رشدی، مبتنی بر آیات قرآن کریم است و در ۳۵ جلد کتاب تحت عنوان‌های مختلف، نظیر مبانی، فرایندها، راهبردها و مهارت‌های دوره‌های متفاوت رشدی به‌نگارش درآمده است.

قرآن کریم نخستین سند و نسخه عظیم و بی‌همتای تعلیم و تربیت است که بایسته‌ها و شایسته‌های تربیتی را به انسان نشان می‌دهد و در پی آن، تربیت قرآنی سعادت و رستگاری انسان را تأمین می‌کند. همچنین قرآن کتاب خدا و کتاب رشد و هدایت انسان است. انسان به دنیا آمده است تا رشد کند و به کمال برسد. بهشت جایگاه انسان رشدیافته است. قرآن است که انسان را هدایت می‌کند و او را در مسیر کمال قرار می‌دهد و به رشد می‌رساند (دژبخش و خدادادی، ۱۴۰۱، ص ۷). بر مبنای این ساختار، مجموعه دوره‌های رشد را می‌توان بر اساس اصلی‌ترین مؤلفه‌های ساختار وجودی انسان، که در مراحل مختلف زندگی انسان فعال می‌شود، دسته‌بندی نمود. این دوره‌ها را با توجه به ویژگی‌های تربیتی هر مرحله می‌توان در قالب مراحل ذیل نام‌گذاری کرد (اخوت، ۱۳۹۷ ب):

۱. دوره تأدیب نطق و آموزش کلام (فعال شدن حواس و اداراکات)؛

۲. دوره مشورت و ادب (فعال شدن تفکر)؛

۳. دوره بلوغ عقلی (فعال شدن تعقل)؛

۴. دوره بلوغ عاطفی (فعال شدن علم و ایمان)؛

۵. دوره بلوغ لیبی (فعال شدن فعل)؛

۶. دوره بلوغ عبودیتی (فعال شدن عمل).

مراتب رشد را می‌توان در قرآن به شش مؤلفه کلی دسته‌بندی نمود: طیب، خیر، حسن، ایمان، صدق و ولایت. این مؤلفه‌ها، درحقیقت همان رشد هستند که در تمامی مراحل رشد می‌بایست جاری باشند (اخوت، ۱۳۹۲). هدف اصلی تعلیم و تربیت در دوره دوم رشد، فعال‌سازی اختیار و شکوفایی تفکر است (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۹). کودک با نشاط و شادی و نیز پاکی فطری‌ای که دارد، دوره دوم را آغاز می‌کند و لازم است در این دوره به سمت‌وسوی «اختیار» سوق یابد. اختیار، بنا به نظر عرف، به معنای قدرت انجام دادن یا ندادن کاری است؛ در صورتی که در فرهنگ قرآن عمدتاً به معنای «پذیرش خیر» است. درواقع، محور اصلی این دوره، «فعال شدن توان شناخت خیر و انتخاب آن» است؛ یعنی فرد باید کاری کند که به جز خیر گزینه دیگری را نپذیرد و تنها خیر را انتخاب کند. شرط تحقق این مهم، فعال شدن شاخص‌های دوره دوم رشد است که این امر به تدریج حاصل می‌شود و فرزندان دبستانی باید بتوانند در هر پایه به بخشی از آن دست یابند. شاخص‌های رشد در دوره دوم عبارت‌اند از:

- توانایی تمییز و تمایز؛

- ظهور ادب یا عبودیت (شناخت بایدها و نبایدها، و الزام در رعایت آنها به صورت خودجوش)؛

- انواع تفکر؛

- برنامه‌ریزی؛

- نشاط و شادی؛

- تشخیص خیر و انجام آن.

تفکر نیز قرار گرفتن در وضعیتی است که انسان می‌تواند بهترین مصلحت خود را تشخیص دهد و مسیریابی درستی داشته باشد؛ چراکه با فعال شدن تفکر، سایر توان‌های تشخیصی انسان نیز فعال می‌شود. تفکر را می‌توان هم به‌عنوان شاخص رشد و هم به‌عنوان عامل رشد به حساب آورد (اخوت، ۱۳۹۷ ب). همچنین تفکر حقیقی مهم‌ترین محور تربیتی این دوره است که موجب سیر کودک از شناخت نیازهای حقیقی به سوی شناخت بایدها و نبایدهای الهی و عمل به آن می‌شود. بدین ترتیب با شناخت و بهره‌گیری از انواع تفکر می‌توان سیر برانگیختگی تا فهم ضرورت‌ها و عمل به آن را به خوبی در کودک طی نمود. در این دوره، با توجه به اینکه توان تفکر در کودک فعال می‌شود، استفاده از این توان برای رساندن کودک به غایت مهم رعایت آداب و باید و نبایدهای الهی و در مسیر عبودیت خداوند قرار گرفتن از اهمیت زیادی برخوردار است.

تفکر پرسشی، تفکر شنیداری، تفکر مشاهده‌ای، تفکر بنیادی، تفکر قرآنی و تفکر اجتماعی از انواع تفکرند (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۹۴). در راستای فعال کردن انواع تفکر، به‌ویژه تفکر اجتماعی (تفکری که نتیجه آن سامان یافتن روابط کودک با دیگران از طریق تبعیت از افراد یا مرجعی است که برای کودک حجت دارد) و همچنین عملیاتی کردن دوره‌های رشد کودکان، الگویی آموزشی طراحی شده که متناسب با ویژگی‌ها و خصوصیات دوره دوم رشد، یعنی مقطع دبستان، تدوین گردیده است. این الگو با محور قرار دادن قرآن به‌عنوان کتاب قوانین و حقایق زندگی که مسلط بر سایر علوم است، به معرفی اصول و روش‌های آموزشی می‌پردازد که به کمک آنها دانش‌آموزان ضمن فراگیری علوم مختلف (قرآن، فارسی، ریاضی، علوم، هنر و...) در زندگی اهل تفکر می‌شوند و می‌توانند در امور مختلف خیرگزین باشند (اخوت، ۱۳۹۶). الگوی «فهم قرآن در دبستان»، بخشی از برنامه درسی قرآن آموزش و پرورش نیست و ارتباط مستقیمی با کتاب‌های درسی قرآن ندارد؛ بلکه برنامه‌ای برای پیاده‌سازی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است که می‌تواند به همه دروس و فعالیت‌های آموزشی و تربیتی، از جمله درس قرآن، کمک کند (دژبخش و خدادای، ۱۴۰۱، ص ۱۰).

در یک تعریف کلی می‌توان گفت که «فهم قرآن در دبستان» عنوان برنامه آموزش سوره‌های جزء سی قرآن کریم به دانش‌آموزان ابتدایی است؛ به طوری که سوره‌ها و پیام آنها باعث رشد بچه‌ها شوند و توان‌های نهفته آنها را فعال کنند. برای آموزش سوره‌های قرآن، مهم‌ترین کار، خواندن و شنیدن سوره است. در واقع اصلی‌ترین برنامه آموزش سوره در فهم قرآن، همین خواندن و شنیدن است. خواندن سوره باید به‌گونه‌ای باشد که بچه‌ها با آن انس بگیرند. برای خواندن سوره، از انواع روش‌ها می‌توان بهره برد. در فهم قرآن، الزامی برای ترجمه تک‌تک آیات برای بچه‌ها وجود ندارد؛ زیرا بچه‌ها در سطحی

نیستند که همه جزئیات سوره را درک کنند و آنها را به کار گیرند؛ اما در سطحی هستند که مفهوم کلی و کلیدی سوره را متناسب با رشد خود درک کنند. آنها مفهومی را درک می‌کنند که می‌تواند برای آنها کاربرد داشته باشد و می‌تواند به آن عمل کنند؛ یعنی در اجرای فهم قرآن، علاوه بر خواندن سوره، یک مفهوم کاربردی از سوره نیز به دانش‌آموزان منتقل می‌شود. سوره‌ها توان‌های نهفته کودکان را فعال می‌کنند؛ به‌طریق معجزه‌آسایی سبب رشد آنها می‌شوند و توانمندی‌های آنان را شکوفا می‌سازند. سوره‌ها بستری از رشد را فراهم می‌کنند تا کودکان در پی شکوفایی تفکرشان به انتخابی درست دست بزنند و در انتهای مقطع دبستان خیرگزین شوند (اخوت، ۱۳۹۶).

در کتاب‌های درسی قرآن آموزش و پرورش، اولویت با آموزش روخوانی و سپس ارائه مفاهیم برخی کلمات و آیات است، که بیشتر جنبه افزایش اطلاعات دارد. به‌طور کلی در برنامه‌های متداول آموزش قرآن - چه در آموزش و پرورش و چه خارج از آن - گام اول، روخوانی و روان‌خوانی است؛ سپس بحث حفظ قرآن مطرح می‌شود و آموزش مفاهیم به بعد موکول می‌گردد. در بسیاری از موارد، این آموزش‌ها هرگز به مرحله عمل و وارد کردن حقایق قرآن به متن زندگی نمی‌رسند. برنامه «فهم قرآن» نیز برای آموزش روخوانی و حتی حفظ قرآن مفید است؛ با این تفاوت که در مقایسه با سایر روش‌ها، مسیر متفاوتی را دنبال می‌کند (اخوت، ۱۳۹۶).

در پایه اول دبستان بر تحرک و نشاط همراه با جهت‌گیری ابرازها تأکید می‌شود و از میان سوره‌های ارائه‌شده در این پایه، سوره حمد به ابراز مسرورانه و شادمانه در خصوص دیدن زیبایی‌ها همراه با تحسین و ایجاد حال خوب، سوره ناس به ابراز شادانه و سوره فلق به ابراز هوشیارانه در خصوص آموزش هوشیار و بانشاط بودن هنگام مواجهه با مشکلات اشاره دارد (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۲۳).

بر اساس الگوی آموزشی فهم قرآن در دبستان، اصل آموزش در پایه اول، بازی است. در کلاس اول حدود ۲۰ درصد زمان کلاس به قرآن و حفظ آن و ۸۰ درصد مابقی به بازی و فعالیت‌های مرتبط با سوره‌ها در فضای شاد و بانشاط اختصاص داده می‌شود. هرچه فضای کلاس شادتر باشد، قرآن برای دانش‌آموزان بهینه‌تر می‌شود. انتخاب سوره‌ها بر اساس اهداف در حوزه تفکر صورت می‌گیرد. در تفکر، بر خیرگزینی تمرکز می‌شود و بایستی کاری کرد که دانش‌آموز بتواند خیر را انتخاب کند و از شر جدا شود. سوره‌های انتخابی سوره‌هایی هستند که در راستای شناخت خیر و شر، انتخاب خیر و پناه بردن از شر است و این شناخت، فرایندی است که با ابراز کردن محقق می‌شود. ابراز را نیز می‌توان این‌گونه تعریف کرد: مقوله‌ای است که با تحرک و نشاط ارتباط دارد و در اثر آن، فرد می‌تواند از لاک خود خارج شود (اخوت، ۱۳۹۷ الف، ص ۲۴).

چنان‌که اشاره شد، شش تا هفت‌سالگی زمان آغاز دوره دبستان است. به‌طور تقریبی شش‌سالگی زمان آغاز دوره دوم کودکی است. شش تا یازده‌سالگی را دوره دوم کودکی می‌نامند. در این سن، تحولاتی تدریجی در خلق، هیجان و رفتارهای کودک به‌وجود می‌آید. آگاهی مربیان و والدین از این تحول‌ها به آنها کمک می‌کند که رفتار واکنشی نامناسبی از خود نشان ندهند. کودک شش‌ساله میل به برون‌ریزی هیجان‌هایش دارد. این برون‌ریزی را با حرکت نشان می‌دهد. بنابراین در مدرسه باید فرصت بازی و حرکت برای او تا حد امکان فراهم شود. از طرفی، کودک

شش‌ساله شوق و انگیزه زیادی برای یادگیری دارد؛ چراکه تجربه کردن برای او جذاب است. بنابراین فراهم کردن موقعیت‌هایی که برای او سؤال‌برانگیز باشد، بسیار مهم است؛ زیرا بر اساس آن موقعیت‌ها می‌توان به آموزش غیرمستقیم وی پرداخت. بنابراین والدین و مربیان بایستی تربیت مثبت را در امر آموزش دانش‌آموزان در پیش بگیرند (رحیمی، ۱۴۰۰). این پژوهش در راستای فعال کردن ابرازها از طریق این الگو برای ارتقای هوش هیجانی انجام گردیده است؛ چراکه پایین بودن یا نبود هوش هیجانی به‌عنوان یک متغیر هماهنگ با تفکر اجتماعی، مانعی مهم برای رشد تفکر کودک تلقی می‌شود و اگر تفکر کودک در این دوره شکوفا نگردد، زمینه برای بلوغ اجتماعی وی، که نتیجه مشورت و ارتباط‌گیری با والدین، معلمان، مربیان و همسالان است، فراهم نمی‌شود (اخوت، ۱۳۹۲).

«هوش هیجانی» توانایی توجه و درک خوب عواطف و احساسات خود و دیگران است (دراوشه و همکاران، ۲۰۲۳). هوش هیجانی سبب می‌شود که افراد به کشف توانمندی‌ها و استعدادها خود بپردازند و با فراهم کردن فرصت بتوانند میان هیجان‌های خود هماهنگی و توازن برقرار کنند (رضایی و عبدالرحیمی، ۱۴۰۱). بهان و فاردکوی (۲۰۱۳) هوش هیجانی را زمینه‌ساز ارتباط و تکریم دیگران، مدیریت اضطراب، مهارت‌های همدلی، کاهش اشتباهات و افزایش نوآوری می‌دانند. اگر کودک در دوران کودکی خود به مهارت‌های اجتماعی دست یابد، می‌تواند در سن دبستان با هم‌تایان خود ارتباطی مناسب و مؤثر برقرار کند و این ارتباط به‌مرور زمان به روابطی دوستانه تبدیل می‌شود، اما اگر فاقد مهارت‌های اجتماعی مناسب باشد، طردشدگی را تجربه می‌کند (نادی‌پور و آقامحمدی، ۱۴۰۰). مدارس می‌توانند در بهبود پرورش استعدادها هیجانی کارآمد باشند؛ چراکه رابطه‌ای مناسب بین دانش‌آموزان، دانش‌آموزان با معلمان و دانش‌آموزان با اولیای مدرسه برقرار می‌کنند (الیاس، ۲۰۰۳). از نظر اخوت (۱۳۹۶)، زمانی مدارس در این راستا کارآمدند که فضای صمیمی و به‌دور از ترس یا سختی فراهم کنند و کودکان را به محبت بیشتر نسبت به معلم و سایر دوستان ترغیب نمایند (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۴۴).

هوش هیجانی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تنظیم‌کننده در مسائل شناختی و نیز در طراحی برنامه‌های سازگاری هیجانی و اجتماعی نوجوانان و جوانان، مورد توجه بسیاری از روان‌شناسان، مشاوران و سایر افرادی قرار گرفته است که به‌نحوی با دانش‌آموزان سروکار دارند. اهمیت این مبحث باعث شده است که امروزه هوش هیجانی به‌اندازه هوش تحلیلی و شناختی اهمیت یابد (سجادی‌نژاد و اکبری چرمینی، ۱۴۰۱). از دیدگاه گلمن (۱۹۹۵م) نیز هوش هیجانی حتی بیشتر از هوش تحلیلیگر پیش‌بینی‌کننده موفقیت در مدرسه، کار و محیط خانواده است (گلمن، ۱۹۹۵م).

اولین مکان اجتماعی، مدرسه است که می‌تواند نقص و کمبودهای کودکان را در زمینه‌هایی نظیر رقابت‌ها، عواطف و تعاملات اجتماعی اصلاح و بهبود بخشد (محمدی‌سیرت، ۱۳۹۵، ص ۵۰). این پژوهش درصدد اجرای این طرح در میان دانش‌آموزان پایه اول مقطع دبستان است تا با شکوفا کردن انواع ابراز در کودکان به‌صورت کاملاً عینی، کاربردی و مهارتی در جهت‌دار کردن عمل، کودکان را یاری دهد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

هر انسانی از زمان تولد سرشار از فطرتی الهی است که به‌واسطه آن و متناسب با ظرفیت وجودی‌اش می‌تواند خوب و بد را تمیز دهد. پایبند بودن انسان بر دین فطری تا زمانی ادامه می‌یابد که دیگر انسان‌ها به پهانه‌های مختلف نهاد

توحیدی وی را به شرک آلوده نساند. به‌دیگرسخن، مهم‌ترین کار در تربیت انسان از کودکی، تخریب نکردن فطرت و نابود نکردن نهاد خداجوی اوست (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۲). از همین رو تربیت از ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای انسانی به‌شمار می‌رود و نقش بسزایی در سعادت یا شقاوت دنیوی و اخروی وی دارد (فرهادی، ۱۴۰۰، ص ۴). یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی انسان که بایستی در این خصوص توجه ویژه‌ای به آن داشت، مرحله دوم زندگی است که می‌تواند از پنج، شش یا هفت‌سالگی آغاز شود و سن آمادگی برای بلوغ عقلی به‌حساب می‌آید. این مرحله مرحله‌ای است که در آن لازم است قوه اختیار کودک به‌تدریج فعال شود و بتواند آگاهانه در زندگی خود تصمیم بگیرد و با اهداف مشخص و افق‌های بلند برنامه‌ریزی کند. لذا این دوره، دوره فعال‌سازی تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در زندگی است و لازم است مقدمات و لوازم این فعال‌سازی مهیا شود. از جمله مقدمات و لوازم این فعال‌سازی، توان تفکر و تعقل در کودک است که می‌بایستی فعال شود و کودک از تقلیدهای کورکورانه و ناهشیارانه پرهیز کند. فعال‌سازی تفکر لازمه اصلی خیرگزینی در دوره دوم رشد است. آنچه در خیرگزینی مورد توجه قرار می‌گیرد، عبارت است از:

- شناخت تفصیلی و جزئی خوبی‌ها و بدی‌ها؛

- ترجیح دادن بهتر نسبت به خوب، و بد نسبت به بدتر؛

- دستیابی به توانایی در اخذ تصمیمات زندگی بر مبنای ترجیح حکم خداوند؛

- اراده در اجرای خیر و تحقق آن (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۹).

در راستای این مطلب، بزرگ‌ترین خیری که انسان می‌تواند در دنیا نسبت به خود و دیگری انجام دهد، آشنایی با حقایق قرآن است؛ چراکه قرآن کتاب حقایق است. هر انسانی، چه خود بداند و چه نداند، با حقایق عجیب شده است و با خواندن قرآن می‌تواند رابطه خود را با حقایق بفهمد و بر اساس آن برنامه‌ریزی کند و به زندگی خود به‌نحو مطلوبی جهت دهد (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۲۹).

آموزش قرآن کریم سه نوع تأثیر بر انسان دارد: تأثیر روحی، تأثیر تربیتی و تأثیر اجتماعی. اولین و اساسی‌ترین تأثیر قرآن کریم، تأثیر روحی آن است. با مراجعه به قرآن کریم مشخص می‌گردد که بهداشت روح و روان انسان در سرتاسر آیات و سوره‌ها مورد توجه قرار گرفته است. آموزه‌های قرآنی با روح و روان انسان ارتباط تنگاتنگی دارند و راهکارهای مناسبی را در این خصوص به بشر ارائه می‌دهند و در صورت حصول ایمان و پذیرش آن آموزه‌ها، اعتدال روحی در انسان برقرار می‌شود. تأثیر تربیتی قرآن کریم در نتیجه تأثیر روح حاصل می‌گردد. قرآن کریم تنها کتابی است که اسلوب‌های تربیتی سودمند را به‌طور کامل دربر دارد. جنبه تربیت عقلی و تربیت اخلاقی مهم‌ترین جنبه‌های تربیتی قرآن کریم است. تأثیر اجتماعی قرآن کریم در نتیجه تأثیر روحی و تربیتی حاصل می‌گردد (باغبانی، ۱۳۹۶، ص ۲). از آنجایی که رفتارهای کودکان در سن هشت‌سالگی تثبیت می‌شود، آموزش مهارت‌های اجتماعی و هیجانی در اوایل دوران کودکی بسیار مهم است (برک، ۲۰۱۰، ص ۳۰-۵۵). اگر کودکان ما در برنامه‌های باکیفیتی که اهداف اجتماعی و هیجانی را مورد توجه قرار می‌دهند، شرکت نمایند، احتمال موفقیت تحصیلی، اجتماعی و هیجانی بیشتری در آینده دارند (کربی، ۲۰۱۹، ص ۳). از این رو پرورش

این مهارت‌ها در مراحل اولیه دوران کودکی، درک و فهم دانش‌آموزان ما را از نحوه پردازش و واکنش به شرایط هیجانی تقویت می‌کند. در نظر گرفتن برنامه‌های اجتماعی - هیجانی مؤثر از سوی آموزگاران، زمینه رشد و بلوغ دانش‌آموزان را در این حیطه فراهم می‌نماید، که خود سبب افزایش عملکرد تحصیلی آنها، تقویت تعاملات اجتماعی آنها با دیگران و کاهش رفتارهای شیطنت‌آمیز می‌شود. استفاده مؤثر کودکان از هیجان‌های خود، آنها را توانا می‌سازد که واکنش‌های طبیعی خود را در موقعیت‌های استرس‌زا کنترل کنند؛ بهتر ارتباط برقرار نمایند و روابط سالم‌تری با خانواده و دوستان خود داشته باشند و در نهایت، در مدرسه، حرفه و زندگی خود موفق و کارا شوند (اولتاس، ۲۰۰۷م، ص ۶).

مفهوم هوش هیجانی برای موفقیت تحصیلی مهم است؛ لذا بایستی کودکان را تشویق کرد تا مهارت‌های مرتبط با این نوع هوش را در دوران کودکی بیاموزند (سالیوان، ۱۹۹۹م، ص ۶). این نوع مهارت‌ها شامل همکاری با دیگران، نشان دادن همدلی با دیگران، کمک به دیگران و اشتراک‌گذاری و سهیم شدن با دیگران و دوستان است، که پیشرفت تحصیلی و موفقیت در مدرسه را پیش‌بینی می‌کند (کربی، ۲۰۱۹م، ص ۵). هنگامی که دانش‌آموزان می‌توانند به‌درستی احساسات خود و دیگران را شناسایی و توضیح دهند، می‌توانند به‌شیوه قابل قبول که برای محیط آنها مساعد است، پاسخ دهند و همین امر به موفقیت آنها از نظر تحصیلی، اجتماعی و فراتر از آن کمک می‌کند (دوی و لکشمی، ۲۰۱۴م، ص ۸۵-۹۲). در مجموع، هوش هیجانی به‌خصوص به کودکان کمک می‌کند تا یادگیری بهتری داشته و خوشحال‌تر، سالم‌تر و موفق‌تر باشند (پورشریعه، ۱۳۹۸، ص ۷-۳).

پورتاس ملارو و همکاران (۲۰۲۰م) معتقدند که هوش هیجانی در ارتقای بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان اهمیت و ضرورت دارد. اهمیت این موضوعات و ضرورت توجه به مقطع ابتدایی به‌عنوان اولین دوره آموزشی رسمی، انگیزه و علتی برای ارائه‌الگوی مبنی بر آموزش قرآن متناسب با ویژگی‌های این مقطع و اقتضات این دوره سنی، برای دانش‌آموزان شد. از این‌رو انتخاب سوره برای آموزش به کودکان در نوع مهارت و توانی که در آنها فعال می‌کند، با توجه به غرض سوره‌ها متفاوت است. هر سوره پیامی دارد که مری فهم قرآن باید تلاش کند تا به‌صورت شناختی و انگیزشی و رفتاری در کودک در سطح کودکی خودش تحقق یابد. برای مثال، سوره هُزمه موضوع پرهیز دادن از تمسخر و همز و لمز دیگران است. برای ارتقای توان‌های هیجانی کودکان، سوره‌های ناس، فلق و حمد توصیه می‌شود. یکی از سه موضوع اصلی این سوره‌ها توان ابراز کردن است. ابراز آنچه برایش قابل ستایش و زیباست، اظهار پناهجویی از شرور و امور بد به مرجع و منبع آرامش، که همان خداست، از جمله موضوعاتی است که مری قرآن در این سنین بر آنها تمرکز دارد. لذا در کنار اثرات تربیتی تکوینی قرآن کریم، هر سوره با توجه به غرضی که دارد، اثرات ویژه‌ای در تربیت کودکان دارد.

نوع آموزش و ایجاد مهارت در آن موضوع، هنر طرح درس و معلم است که باید مورد توجه قرار گیرد. ارتقای هوش هیجانی زمینه ارتقای تفکر اجتماعی را که عبارت است از قدرت ارتباط برقرار کردن با دیگران بر محور همپاری و همکاری و مساعدت و کمک به آنان، ایجاد می‌کند و کودک را به سمت گزینش خیر در امور اجتماعی سوق می‌دهد که هدف اصلی تربیت مبتنی بر منظومه رشد قرآنی در دوره رشد است (اخوت، ۱۳۹۷م، ص ۱۷-۲۴).

۱. روش‌شناسی

از آنجاکه هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی بسته آموزشی چند سوره قرآن بر هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر پایه اول دبستان است، این مطالعه نیمه‌تجربی، یک پژوهش کاربردی محسوب می‌شود و از لحاظ روش اجرای پژوهش، در دسته پژوهش‌های نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری همراه با گروه کنترل قرار دارد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام گرفته است. بدین منظور، یکی از مدارس دخترانه ابتدایی شهر بروجن، مدرسه اسماعیل فرخی دوره اول، که در محدوده مرکزی این شهر موقعیت دارد، به صورت در دسترس انتخاب گردید؛ سپس از بین چهار کلاس پایه اول که مجموعاً ۱۱۷ نفر می‌باشند، یک کلاس به صورت تصادفی برای گروه آزمایش (۲۰ نفر) و کلاس دیگر برای گروه گواه (۲۰ نفر) انتخاب گردید. قابل ذکر است که هر دو گروه گواه و آزمایش، آموزش مرسوم قرآن پایه اول را دریافت می‌کردند؛ با این تفاوت که گروه آزمایش در کنار این آموزش مرسوم، بسته آموزشی را که مبتنی بر الگوی آموزش فهم قرآن در دبستان هست، طی نه جلسه یک‌ساعته نیز آموزش دیدند و گروه کنترل از آموزش این بسته آموزشی بر دانش‌آموزان گروه آزمایش اطلاعی نداشتند.

به منظور بررسی این اثربخشی، قبل و بعد از اجرای بسته، پیش‌آزمون و پس‌آزمون با استفاده از «پرسش‌نامه‌های هوش هیجانی بار - آن» از دانش‌آموزان گرفته شد. در آخر، هر دو گروه آزمایش و گواه پس از گذشت یک ماه تحت پیگیری قرار گرفتند و در انتهای یک ماه، مجدد از هر دو گروه، با پرسش‌نامه‌های ذکر شده، آزمون گرفته شد. در این پژوهش، با توجه به موضوع و ماهیت آن، از «پرسش‌نامه اطلاعات دموگرافیکی» و «پرسش‌نامه هوش هیجانی کودکان و نوجوانان بار - آن» کمک گرفته شد.

الف) پرسش‌نامه اطلاعات دموگرافیکی: این پرسش‌نامه دربردارنده اطلاعاتی مانند سن، پایه تحصیلی، تعداد فرزندان، چندمین فرزند، میزان تحصیلات والدین، شغل والدین و وضعیت نگهداری دانش‌آموز است؛

ب) پرسش‌نامه هوش هیجانی کودکان و نوجوانان بار - آن (BarOn EQ-i:YV): پرسش‌نامه هوش هیجانی کودکان و نوجوانان یک فرم کوتاه‌شده از «پرسش‌نامه هوش هیجانی - اجتماعی بار - آن» است. این پرسش‌نامه شامل سی سؤال است که دربردارنده و ارزیابی‌کننده پنج شاخص است؛ شامل: توانایی‌های درون‌فردی (حرمت نفس، خودآگاهی، ابراز وجود، استقلال و خودشکوفایی)؛ توانایی‌های بین‌فردی (ارتباط بین‌فردی، همدلی و مسئولیت اجتماعی)؛ سازگاری (انعطاف‌پذیری، واقعیت‌سنجی و حل مسئله)؛ مدیریت استرس (کنترل تکانه و تحمل استرس) و تصور مثبت (تلاش برای ایجاد یک تصور بیش از حد مثبت درباره خود). این پرسش‌نامه همچنین دارای مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای است که عبارت‌اند از:

۱. هرگز، به ندرت، در مورد من درست نیست.
۲. گاهی، فقط کمی در مورد من درست است.
۳. اغلب اوقات، تا حدی در مورد من درست است.
۴. اکثر اوقات، خیلی در مورد من درست است.

هریک از این شاخص‌ها، شش سؤال را شامل می‌شوند که زمان تقریبی برای پاسخ‌گویی، ده دقیقه است. نمره کل دانش‌آموز در هوش هیجانی از جمع نمرات وی در چهار شاخص نخست محاسبه می‌شود و این بدان معناست که مؤلفه برداشت مثبت جهت نمره دادن در نظر گرفته نمی‌شود (بار - آن، ۱۹۹۷م).

پرسش‌نامه هوش هیجانی بار - آن، یک ابزار دقیق جهت شناسایی هوش هیجانی کودکان و نوجوانان است؛ چراکه این پرسش‌نامه همبستگی بالایی با سایر پرسش‌نامه‌های شخصیت که عناصر هوش هیجانی را دربر می‌گیرند، دارد (پرسش‌نامه‌های «نئو» / NEO؛ «پنج عامل بزرگ» / Five Factor Inventory؛ «افسردگی کودکان» / the Children's Depression Inventory؛ و «مقیاس خودگزارشی کانرز - ولز نوجوان» / the Connors-Well's Adolescent SelfReport Scale) (لی و اولزوک، ۲۰۰۶م).

«بار - آن» این پرسش‌نامه را با اجرا در دو جامعه آمریکا و کانادا بر روی ۹۱۷۲ دانش‌آموز به تفکیک جنسیت و با گروه‌های سنی هفت تا هجده سال تنظیم و هنجاریابی نموده است. همچنین توسط کریم‌زاده (۱۳۸۸) به زبان فارسی ترجمه و مجدد به زبان انگلیسی برگردانده شد تا همگنی محتوای آن با نسخه اولیه مورد تأیید صاحب‌نظران (اساتید راهنما و مشاور) واقع شود؛ سپس با اجرای مقدماتی روی سی دانش‌آموز پایه چهارم و پنجم، سؤالات نامفهوم اصلاح شدند و در مرحله آخر، ۱۹۱۴ دانش‌آموز به سؤال‌های آن پاسخ دادند. با استفاده از تحلیل عوامل، روایی این پرسش‌نامه مجدد مورد ارزیابی قرار گرفت و روایی آن در چهار عامل به‌دست آمد و همبستگی این عوامل نیز بررسی گردید:

- ضرایب پایایی با روش آلفای کرونباخ برای عوامل بدین شرح است: بین‌فردی: ۰/۵۸؛ مدیریت استرس: ۰/۶۵؛ سازگاری: ۰/۶۸؛ درون‌فردی: ۰/۷۹؛ هوش هیجانی: ۰/۷۳؛

- ضرایب همبستگی بین سؤالات، ۰/۷۲ و بالاتر گزارش شده است.

- «بار - آن» در بررسی پایایی این پرسش‌نامه از طریق روش بازآزمایی (پس از سه هفته) برای خرده‌مقیاس‌ها، مقادیر زیر را گزارش نموده است: درون‌فردی: ۰/۸۴؛ بین‌فردی: ۰/۸۱؛ سازگاری: ۰/۸۵؛ مدیریت استرس: ۰/۸۸؛ هوش هیجانی کلی: ۰/۸۷ (کریم‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶-۱۱۱).

- ضریب پایایی محاسبه‌شده از طریق آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در پژوهش صورت‌گرفته، ۰/۸۱ است.

۲. یافته‌ها

فرضیه اصلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر بسته آموزشی چند سوره قرآن بر هوش هیجانی دانش‌آموزان اول ابتدایی است. برای بررسی، از روش تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده شده است. از تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر در طرح‌های پیش‌آزمون - پس‌آزمون و پیگیری استفاده می‌شود. قبل از انجام این آزمون، مفروضه‌های آن شامل نرمال بودن توزیع نمرات، همگنی واریانس‌ها، همگنی ماتریس کواریانس‌ها مورد بررسی قرار گرفتند.

آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر، از جمله آزمون‌های پارامتریک است که در آن، علاوه بر رعایت مفروضه‌های عمومی آزمون پارامتریک (مثل فرض بهنجاری داده‌های پژوهش، مقیاس فاصله‌ای متغیرهای وابسته،

و مقیاس تربیتی متغیر مستقل و فرض همگنی واریانس‌ها)، رعایت برخی مفروضه‌های اختصاصی نیز لازم است. بنابراین قبل از اجرای آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر، مفروضه‌های این آزمون بررسی شدند.

۲-۱. فرض نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش

برای بررسی مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌ها، از آزمون «شاپیرو ولیک» استفاده شد.

جدول ۱. شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	گروه	زمان	آماره آزمون	سطح معناداری
		پیش‌آزمون	۰/۹۳۵	۰/۱۸۹
	گروه کنترل	پس‌آزمون	۰/۹۸۲	۰/۹۵۴
هوش		پیگیری	۰/۹۷۳	۰/۸۱۳
هیجانی		پیش‌آزمون	۰/۹۴۱	۰/۲۵۳
	گروه آزمایش	پس‌آزمون	۰/۹۴۶	۰/۳۱۵
		پیگیری	۰/۹۸۰	۰/۹۳۸

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها در هر دو گروه کنترل و آزمایش و در هر سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری، نرمال است ($Sig. > 0/05$). بنابراین فرض نرمال بودن داده‌ها در متغیرهای مورد بررسی تأیید می‌شود و از این مفروضه، تخطی صورت نگرفته است.

۲-۲. فرض همگنی ماتریس واریانس - کواریانس

فرض همگنی واریانس - کواریانس از مفروضه‌های پیش‌نیاز جهت تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر است. فرض همگنی واریانس - کواریانس به همگنی همبستگی‌های متقابل بین چند متغیر اشاره دارد. برای هریک از سطوح متغیر بین‌آزمودنی‌ها (متغیر گروه)، الگوی همبستگی متقابل بین سطوح متغیر درون‌آزمودنی‌ها (متغیر دفعات اندازه‌گیری) باید یکسان باشد. برای بررسی این مفروضه، از آزمون M-BOX استفاده می‌شود.

جدول ۲. آزمون Box's M

ماتریس	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
۳۲/۷۳۰	۱/۲۹۲	۲۱	۵۳۱۱/۰۳۰	۰/۱۶۷

فرض صفر همگن بودن ماتریس واریانس - کواریانس است. مفروضه همگنی ماتریس‌های واریانس - کواریانس، در متغیر هوش هیجانی رعایت شده و تخطی از این مفروضه صورت نگرفته است ($P = 0/723 > 0/05$). چون فرض همگنی ماتریس کواریانس در متغیر هوش هیجانی برقرار است، در جدول تحلیل بین‌گروهی و درون‌گروهی، از اثر پیلایی جهت بررسی اثرگذاری زمان و گروه و تعامل آنها استفاده می‌شود. مفروضه همگنی ماتریس‌های واریانس - کواریانس در متغیر کهرویی برقرار نیست ($P = 0/31 < 0/05$) و جهت تحلیل بین‌گروهی و درون‌گروهی از لامبدای ویلکز استفاده می‌شود.

فرضیه اصلی پژوهش: در زمان‌های مختلف پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری میان گروه‌های آزمایش و کنترل، تفاوت معناداری در نمره هوش هیجانی وجود دارد.

جدول ۴. آزمون چندمتغیره

مقدار	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	مجدور اتا	اثر	
۰/۲۳۶	۵/۷۱۶	۲	۳۷	۰/۰۰۷	۰/۲۳۶	اثر بیلابی	
۰/۷۶۴	۵/۷۱۶	۲	۳۷	۰/۰۰۷	۰/۲۳۶	لامبدای ویلکز	بین گروهی
۰/۳۰۹	۵/۷۱۶	۲	۳۷	۰/۰۰۷	۰/۲۳۶	اثر هتلینگ	
۰/۳۰۶	۵/۷۱۶	۲	۳۷	۰/۰۰۷	۰/۲۳۶	بزرگ‌ترین ریشه روی	
۰/۶۹۸	۲۰/۲۳۸	۴	۳۵	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹۸	اثر بیلابی	
۰/۳۰۲	۲۰/۲۳۸	۴	۳۵	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹۸	لامبدای ویلکز	زمان
۲/۳۱۳	۲۰/۲۳۸	۴	۳۵	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹۸	اثر هتلینگ	
۲/۳۱۳	۲۰/۲۳۸	۴	۳۵	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹۸	بزرگ‌ترین ریشه روی	درون گروهی
۰/۷۶۴	۲۵/۳۵۶	۴	۳۵	۰/۰۰۰۱	۰/۷۶۴	اثر بیلابی	
۰/۲۳۶	۲۵/۳۵۶	۴	۳۵	۰/۰۰۰۱	۰/۷۶۴	لامبدای ویلکز	زمان × گروه
۳/۲۴۱	۲۵/۳۵۶	۴	۳۵	۰/۰۰۰۱	۰/۷۶۴	اثر هتلینگ	
۳/۲۴۱	۲۵/۳۵۶	۴	۳۵	۰/۰۰۰۱	۰/۷۶۴	بزرگ‌ترین ریشه روی	

از این جدول تحلیل چندمتغیره درمی‌یابیم که هوش هیجانی در بین دو گروه آزمایش و کنترل متفاوت هستند؛ یعنی گروه بر دو متغیر مورد بررسی اثر معناداری دارد ($Sig. = 0.007 < 0.05$). همچنین زمان و تعامل زمان و گروه نیز بر هوش هیجانی اثر معناداری دارند؛ یعنی با گذشت زمان در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری، میزان هوش هیجانی متفاوت شده است ($Sig. = 0.000 < 0.05$). ضریب تأثیر گروه ۰/۲۳۶ و زمان ۰/۶۹۸ و تعامل گروه و زمان ۰/۷۶۴ است. بنابراین گروه ۲۳/۶ درصد از واریانس، زمان ۶۹/۸ درصد واریانس، و تعامل گروه و زمان ۷۶/۴ درصد واریانس را پیش‌بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

دین مبین اسلام به اندیشه‌ورزی توجه و اهتمام خاص دارد و در موارد متعدد مردم را به تفکر دعوت نموده است و در هیچ‌یک از ادیان آسمانی به‌اندازه دین اسلام به تفکر و تعقل‌ورزی سفارش نشده است. به تبع آن، قرآن کریم انسان را به تفکر و اندیشه در تمام حقایق هستی جهت تربیت عقلانی و رشد فکری تشویق و امر نموده است. بنابراین قرآن کریم سراسر تفکر یا دعوت به تفکر است و خداوند در آیات بسیاری به تفکر و تدبیر در این خصوص امر کرده است (ربیع، ۱۳۹۲). از جمله آیات دعوت‌کننده به تفکر در قرآن کریم، آیه ۱۳ سوره مبارکه جاثیه است: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، به‌سود شما رام کرد. همه از اوست. قطعاً در این [امر] برای مردمی که تفکر می‌کنند، نشانه‌هایی است.

همچنین قرآن کریم به‌منظور بهبود رفتار، عملکرد، رشد شخصیت و ارتقای نفس انسان به مدارج کمال انسانی، مناسب‌ترین و بهترین راهی را که بتواند زمینه خوشبختی دنیا و آخرت انسان را فراهم کند، به وی نشان داده است. در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که فطرت وجودی انسان و حالات مختلف روان او را متذکر شده‌اند و دلایل

انحراف بیماری و همچنین راه‌های تهذیب، تربیت و معالجه روان انسان را به‌طور کامل نشان داده‌اند و می‌توان شخصیت انسانی را به‌کمک حقایقی که در قرآن درباره انسان، صفات و حالات گوناگون روانی وی آمده است، رشد داد و نیز انگیزه‌های اصلی محرک رفتار انسان و عواملی را که در هماهنگ کردن شخصیت و تکامل و ایجاد بهداشت روانی او تأثیر بسزایی دارند، شناخت؛ زیرا قرآن سخن آفریدگار انسان است و بدیهی است که آفریدگار به طبیعت و اسرار آفرینش خود داناتر است (انور جعفری، ۱۳۹۷، ص ۱۲-۲۳).

از جمله دلایل نزول کتاب قرآن، تربیت‌پذیری آدمی است؛ چراکه از ضروری‌ترین و مهم‌ترین نیازهای بشری، تربیت است و تربیت رکن اصلی در صعود انسان‌هاست و باعث نجات انسان از اسارت‌ها، جهل‌ها و بندگی‌هاست (ربیع، ۱۳۹۲). از طریق تربیت می‌توان محتوای فکر و اندیشه فرد یا جامعه‌ای را تغییر داد یا جهت‌دهی کرد و قوای مادی و معنوی انسان را رشد داد و راه و رسم جدیدی در زندگی وی پدید آورد. در هفت سال دوم زندگی آدمی شاهد تغییرات قابل ملاحظه‌ای در جسم و روح کودک هستیم؛ زیرا جسم کودک در این سنین نسبتاً قوی‌تر شده، ذهنش رشد یافته و درک و فهمش افزایش پیدا کرده است. او خوبی‌ها و بدی‌ها را تا حدودی می‌فهمد؛ اما چون عقل وی کاملاً شکفته نشده، صلاح و فساد خود را به‌درستی تشخیص نمی‌دهد. از این‌رو می‌طلبید به تأدیب و تربیت کودک پرداخته شود (موحدین، ۱۳۹۶).

«طرح فهم قرآن در دبستان»، شیوه آموزش نوینی است که مبتنی بر آیات و سوره‌های قرآن کریم، به تعلیم و تربیت کودک در دوره دوم کودکی می‌پردازد. در این طرح، سوره‌ها و پیام آن سوره‌ها به‌گونه‌ای ارائه شده‌اند که بستری از رشد را فراهم می‌کنند تا توان‌های بالقوه کودکان را بالفعل کنند و کودکان در پی شکوفایی تفکرشان به انتخابی درست دست بزنند و به هدف خیرگرینی، که از اهداف دوره دوم رشدی است، دست یابند (دژبخش و خدادادی، ۱۴۰۱، ص ۲۵). هوش هیجانی از جمله متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش است و روان‌شناسان هوش هیجانی را مهم‌ترین عامل موفقیت فردی می‌دانند و معتقدند که به‌دلیل اکتسابی بودن این نوع از هوش می‌توان آن را پرورش و ارتقا داد (پورکرمان، ۱۳۹۳، ص ۳۶).

طی چند سال گذشته، روان‌شناسان تحقیقات فراوانی در ارتباط با پاسخ به سؤالاتی که در ادامه می‌آید، انجام دادند: «چه کسانی در امر تحصیل موفق خواهند بود؟»، «ضریب هوشی تا چه میزان در موفقیت‌ها از قبیل موفقیت‌های تحصیلی یا به‌طور کلی پیشرفت انسان نقش دارد؟»، «چرا برخی از افراد برخلاف برخوردار از ضریب هوشی بالا، در تحصیل و مراحل بعد از تحصیل خود شکست‌های چشمگیری را تجربه می‌کنند؟»، «آیا به‌جز ضریب هوشی عوامل دیگری در موفقیت تحصیلی مؤثر هستند؟». در مطالعه‌ای بر روی ۹۵ درصد کسانی که در دهه ۱۹۴۰ دانشجوی دانشگاه هاروارد بودند و اکنون به میان‌سالی رسیده‌اند، معلوم شد که تیزهوش‌ترین دانشجویان آن سال‌ها در مقایسه با دانشجویان متوسط موفق‌تر نبوده‌اند و حتی از لحاظ درآمد و کارایی در وضعیت پایینی قرار داشته‌اند. آنها همچنین از نظر رضایت خاطر در زندگی و ارتباط با اطرافیان خود موفقیت چشمگیری نداشتند. کارن آرنولد، استاد دانشگاه بوستون، که مطالعات متعددی بر روی دانش‌آموزان تیزهوش داشته، معتقد است که از طریق ضریب هوشی افراد، فقط می‌توان افراد

وظیفه‌شناس را کشف کرد. در واقع فقط می‌توان افرادی را شناسایی کرد که می‌دانند چگونه در نظام آموزشی نمرات خوبی کسب کنند. بهره‌ر هوشی افراد، اطلاعاتی را درباره‌ی اینکه چگونه در فراز و نشیب زندگی عمل می‌کنند، نمی‌دهد؛ زیرا هوش و استعداد تحصیلی هیچ‌گونه آمادگی و مهارتی را برای مقابله با ناملایمات در محیط تحصیلی، زندگی و استفاده از فرصت‌های مطلوب به‌دست نمی‌دهد (نوری، ۱۳۸۲). با توجه به نتایج تحقیقات درمی‌یابیم که باید علاوه بر بهره‌ر هوشی و تلاش و پشتکار و شاید مهم‌تر از همه‌ی این موارد، به آموزش هوش هیجانی توجه داشت و در ضروریات آموزش قرار داده شود. این آموزش‌ها در مدرسه بسیار حائز اهمیت‌اند و می‌توانند در درازمدت و هم در کوتاه‌مدت باعث موفقیت باشند. برنامه‌های آموزشی در مدارس به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا احساسات و هیجان‌های خود را مدیریت کنند و عزت نفس آنها را تقویت می‌کند. با تشویق کودکان به پروراندن تمامی استعدادها و توانایی‌هایی که عملاً آنها را به‌سوی کسب موفقیت رهنمون می‌سازند یا آنها را در انجام کارهایشان یاری می‌کنند، مدارس به مراکزی برای پرورش مهارت‌های زندگی مبدل می‌شوند. یکی از مهم‌ترین خدماتی که آموزش و پرورش می‌تواند در جهت رشد کودک انجام دهد، این است که او را با توجه به استعدادهایش، به‌سوی مناسب‌ترین زمینه هدایت کند.

از جمله راه‌های رشد هوش هیجانی در کودکان دبستانی، آگاهی از هیجان‌ها و نحوه‌ی برخورد و مقابله با آنهاست و اینکه به کودکان آموزش دهیم که چطور انگیزه‌ها، امیدها و ترس‌های خودشان را بشناسند و ابراز کنند. در این راستا، برنامه‌ی فهم قرآن در دبستان، به‌ویژه در پایه‌ی اول، بر تحرک و نشاط همراه با جهت‌گیری ابرازها تأکید دارد. آموزش مهارت‌های اجتماعی یکی دیگر از راه‌های ارتقای هوش هیجانی است. با آموزش مهارت اجتماعی، تفکر اجتماعی در کودک فعال می‌شود و با فعال شدن این نوع تفکر در کودک، ویژگی‌ها و توانایی‌های دوره‌ی دوم رشدی پرورش می‌یابد و شکوفا می‌گردد. بنا بر موارد ذکرشده در این پژوهش، بر آن شدیم که برای نخستین بار بر اساس طرح فهم قرآن در دبستان، که مبتنی بر آیات و سوره‌های جزء ۳۰ قرآن کریم می‌باشد، به رشد و تغییر متغیرهای روان‌شناختی، از جمله هوش هیجانی و کمرویی در کودکان بپردازیم و بسی جای خرسندی است که بر اساس تحلیل نتایج آماری در سه بازه‌ی زمانی متفاوت و مشاهدات صورت‌گرفته در گروه آزمایش، سازه‌ی هوش هیجانی این گروه از دانش‌آموزان ارتقا یافته است و به این مهم دست می‌یابیم که قرآن کریم، که کتاب نازل‌شده از سوی پروردگار مهربان است، متناسب با ساختار وجودی انسان، از جمله صفات، باورها، انگیزه‌ها و گرایش‌های رشدی می‌باشد و شاکله‌ساز هویت آدمی است.

- اخوت، احمدرضا (۱۳۹۲). آموزش روش‌های تدبر در قرآن. تهران: نشر مدرسه دانشجویی قرآن و عترت.
- (۱۳۹۶). فهم قرآن در دبستان و دبیرستان. تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت.
- (۱۳۹۷ الف). آموزش قرآن همراه با فعال کردن انواع ابزار نشاط در پایه اول. تهران: نشر مدرسه دانشجویی قرآن و عترت.
- (۱۳۹۷ ب). نظام‌سازی توحیدی شهر و جامعه؛ سند تعلیم و تربیه. تهران: نشر مدرسه دانشجویی قرآن و عترت.
- اخوت، احمدرضا و رضازاده، یاسر (۱۳۹۸). کودک و فهم قرآن. تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت.
- اخوت، احمدرضا؛ فیاض، فاطمه و ادیب، مریم (۱۳۹۴). مهارت‌های خیرگزینی. تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت.
- انصاری رکن‌آبادی، علی (۱۳۹۵). بررسی تأثیر برنامه‌های آموزشی و پرورشی مهدهای قرآنی بر هوش اخلاقی دانش‌آموزان پسر پایه اول دبستان شهرستان میبد در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور مرکز تفت.
- انور جعفری، محمد (۱۳۹۷). آموزش مفهوم خدا به کودکان (۳ تا ۹ ساله) متناسب با رشد آنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. جامعه المصطفی العالمیه.
- باغبانی، رضوان (۱۳۹۶). بررسی آثار آموزش قرآن کریم در دوره ابتدایی بر کودکان. همایش کشوری دانش موضوعی - تربیتی (دانش آموزش محتوا). قم: آموزش دینی و قرآن ابتدایی.
- بییدی، فاطمه و رنجبرزاده، اکبر (۱۳۹۳). اصول تعلیم و تربیت کودک. تهران: آوای نور.
- پورشریعه، طالبعلی (۱۳۹۸). هوش هیجانی (نظریه‌ها و رابطه آن با سلامت روانی). تهران: نشر نسل روشن.
- پورکرمان، محبوبه (۱۳۹۳). هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن از نگاه قرآن و روایات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم میبد.
- حائری شیرازی، محی‌الدین (۱۳۹۶). تربیت دینی کودک. قم: معارف.
- خوی‌نژاد، غلامرضا و رجایی، علیرضا (۱۴۰۰). نظریه‌های رشد. تهران: رشد.
- دژبخش، رضا و خدادادی، مریم (۱۴۰۱). آموزش قرآن با هدف فعال کردن تحرک و نشاط. تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت.
- ربیعی گورانسراب، ملیحه (۱۳۹۲). پرورش تفکر در کودکان مبتنی بر آموزه‌های اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء.
- رحیمی، افسانه (۱۴۰۰). بوی ماه مهر. اصفهان: نشر مهرستان.
- رضایی، صادق و عبدالرحیمی، محمد (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش فلسفه بر هوش هیجانی نوآموزان پسر در مقطع پیش‌دبستانی. تفکر و کودک، ۱۳ (۱)، ۱۷۵-۲۰۱.
- سجادی‌نژاد، مرضیه‌السادات و اکبری چرمینی، صغرا (۱۴۰۱). مقایسه روند تحولی هوش شناختی، هوش هیجانی و هوش معنوی از نوجوانی تا بزرگسالی. روان‌شناسی، ۲۶ (۱)، ۴۵-۵۵.
- فرهادی، راضیه (۱۴۰۰). تربیت ولایی. تهران: کنکاش.
- کریم‌زاده، منصوره (۱۳۸۸). هوش هیجانی در کلاس درس: توانمندسازی معلمان و دانش‌آموزان از راه آموزش مهارت‌های هیجانی - اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء.
- محمدی‌سیرت، فاطمه (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش هوش هیجانی به روش قصه‌گویی بر کاهش کم‌رویی و ارتقای هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء. تهران.
- مظفرپور سیاه‌کوهی، جابر (۱۳۹۷). فلسفه آموزش ادبیات در دوره دوم کودکی (۷ تا ۱۴ سالگی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید باهنر.
- موحدین، زهرا (۱۳۹۶). انگیزه‌های رشد و تعالی انسان از دیدگاه قرآن و روان‌شناسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور. مرکز تهران جنوب.

- نادی‌پور، سمیرا و آقامحمدی، سمیه (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتقادهنده هوش هیجانی بر رشد اجتماعی کودکان مبتلا به فلج مغزی: یک پژوهش مورد منفرد. *کودکان استثنایی*، ۲۱ (۱)، ۲۷-۴۰.
- نوذری، مرضیه و شمشیری، بابک (۱۳۹۷). تربیت دینی کودکان پیش‌دبستانی. تهران: آوای نور.
- نوری امامزاده‌ای، اصغر (۱۳۸۲). مقایسه تأثیر هوش علمی (IQ) و هوش عاطفی (EQ) بر شخصیت. *فصلنامه آموزشی*، ۱۸ (۱)، ۲-۱۰.
- Bar-On, R. (1997). *BarOn emotional quotient inventory*. (Vol. 40). Multi-health systems.
- Berk, L. (2010). *Development through the lifespan*. (5th ed.). Boston. M.A: Pearson. Allyn & Bacon Publishers.
- Bhan, S. & Farooqui, Z. (2013). Social skills training of children with learning disability. *Disability, CBR & Inclusive Development*, 24(2), 54-63.
- Darawsheh, S. R.; ALDarabah, I. T.; Bedaiwy, A. A.; Gmach, I.; Alfandi, A. A. A.; Elsharkasy, A. S.; ... & Khasawneh, M. A. S. (2023). *Emotional Intelligence for English Students with Learning Disabilities in Light of Some Variables*.
- Devi, R. V. & Lakshmi, P. N. (2014). Academic Achievement in Engineering: Does Emotional Intelligence Matter? *International Business Management Journal*, 8(2), 85-92.
- Elias, M. J. (2003). Academic and Social-Emotional Learning. *Educational Practices Series*.
- Goleman, D. (1999). *Emotional Intelligence*. Translated by Layla Aljebali. Alam Almarifa.
- Kirby, S. E. (2019). *The effects of teacher self-assessments on prekindergarteners' social and emotional development*. Doctoral dissertation. Trevecca Nazarene University.
- Lee, Seon-Young & Olszewski-Kubilius, Paula (2006). The Emotion Intelligence, Moral Judgment and Leadership of Academically Gifted Adolescents. *Journal for the Education of the Gifted*, (30)1, 29-67. <https://doi.org/10.1177/016235320603000103>
- Puertas Molero, P.; Zurita Ortega, F.; Chacón Cuberos, R.; Castro Sánchez, M.; Ramírez Granizo, I. A. & González Valero, G. (2020). *Emotional intelligence in the field of education: a meta-analysis*. <https://doi.org/10.6018/analesps.345901>
- Sullivan, A. K. (1999). *The emotional intelligence scale for children* (Ph.D.). Available from ProQuest Dissertations & Theses Global: Health & Medicine, ProQuest Dissertations & Theses Global: Social Sciences (304540264). Retrieved from <https://trevecca.idm.oclc.org>
- Ulutaş, İ. & Ömeroğlu, E. (2007). The effects of an emotional intelligence education program on the emotional intelligence of children. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 35(10), 1365-1372. [https://doi.org/10.1016/S0191-8869\(03\)00121-1](https://doi.org/10.1016/S0191-8869(03)00121-1)